از وقت آفتاب برآمدن تا چاشتگاه بکره است پس مراد از عشی ابکار طرفین نهار است وتخصیص این دو وقت جهت ذکر شرف
وران وگویند عوض ادست ذکر و اقامت عبارتست اما چون خلق درین دو زمان بمهمات دنیا از اوقات دیگر مشغول ترند امر بذکر
وار نمودن از خاص کرد بذکر یعنی چون درین وقت که محل مشغولی خلقست بذکر وتسبیح متوجه باشی در ازمنه دیگر محل فرصت بطریق اولی کر
ذکر وتسبیح ورو نگذاری بعضی برانند که تسبیح یعنی صلوتست زیرا که صلوة مشتملست بر وقال الله تعالی فسبحان الله حین تمسون الآیة
ودیگر بر تسبیح وتهلیل اشتمال دارد پس تسبیح یعنی نماز باید گرفت تا عطف شی بر نفس او نباشد اینجا ذکریا که متعرض بود در بیان تفضیل
مریم با تمام رسید وباقی حالات یحیی در سوره مریم رقم ذکر خواهد یافت ارباب حقایق اشارات خواهد کرد از تیسیر سنریهم آیاتنا فی
الآفاق وفی انفسهم حبری باید تشبیه کند قوت نفسانیه مدرکه را بزکریا ومتحرکه را بایشاع که متقر است مر مدرکه را وفروح است با اعمال
صالحه را یحیی که متولد از مدرکه را وجوکه است و اجازه نظر را در استنتاج رای که مودی بصلاح عمل باشد بدعا زکریا این آیت واله بر حصول غرض را
بانقطاع عنه اشتغال بذکر تسبیح را اشارت داند باگر رحمت و امور ذاتیه از دست اما متعلق نشود وجز بمستعدی که متوجه بحق باشد
ومنقطع از ماسوی ع بی هادی توفیق بدین سخن رفت باز قصه مریم آغاز کرد ومیگوید وَاِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِکَةُ ویاد کن آن زمان
که گفت جبرئیل کفتند جمعی از فرشتگان با مریم گفت بطریق مشافهه این کرامت مریم بود یا معجزه زکریا یا معجزه عیسی قبل از خروج او
چنانچه پیغمبر را صلوات الله علیه پیش از ظهور چندین معجزه بوده ومذهب اهل سنت وجماعتی آنست که مریم ولی بوده واولیا را کرامات
ثابتست ویکی از کرامات مریم آن بود که ملیکه شفاها با وی گفتند یَا مَرْیَمُ ای پرستار خدای اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰکِ بدرستی
که خدای برگزید ترا بولایت یا از برای عبادت قبول کرد ترا بخدمت یا بانکه روزی تو فرستاد از جنت یا ترا از انکه داد ولطف
وعصمت یا کلام ملیکه شنوانید یا از کدورت ماسوی صفا کردانید وَطَهَّرَکِ وپاک ساخت ترا از لوث شرک یا از عادت
زنان مثل حیض ونفاس یا از مساوی اخلاق ایشان وگفته اند تطهیر آن بود که هرگز هیچ مرد بوی نرسد وحیض زنان ندید واز بتول
ازان گویند که منقطع بود از عذرات نسوان یا از مخالطه بازواج ونزد محققان آنست که پاک ترا از خصال ذمیمه وعادات قبیحه یا از مقالات
یهود وذمایم ایشان وحقیقه آنست که مریم را پاک کردانید از هر ناشایسته وناباییست هم در صورت وهم در معنی وَاصْطَفٰکِ تکرار برای
تاکیدست یا انکه اصطفا اول مطلق بود وشایستگی بهر انتقال کردی یا انکه مصطفات بر رجال نیز هست دیگر بار جهت بیان
که خدا برگزید ترا عَلٰی نِسَآءِ الْعٰلَمِیْنَ بر زنان عالمیان با انکه ترا فرزند داری بی شوهر مخصص کردانید بنفخه جبرئیل ومراد عالمیان آنانند
که دران زمان بوده اند از خارج نغز واست درین قبول که مریم را بر همه زنان عالمیان اصطفا ثبت جهت خصایص که او را بوده از رزق
جنت وقبول برای تحریر وولادت فرزندی بی پدر وغیر آن وابو منصور رحمه الله در تاویلات آورده که حضرت رسول صلعم چهار خط کشید
پس از بود که هیچ میدانید که این چیست گفتند الله ورسوله اعلم گفت افضل زنان بهشت چهار اند خدیجه وفاطمه ومریم وآسیه واز انس
بن مالک منقولست که بهترین زنان عالمیان چهار اند مریم بنت عمران وآسیه بنت مزاحم وخدیجه بنت خویلد وفاطمه بنت محمد صلی الله
علیه وعلیهم اجمعین یَا مَرْیَمُ اقْنُتِیْ لِرَبِّکِ ای مریم فرمان برداری کن مر پروردگار خود را وگفته اند دوام طاعت نمای بر طاعت او

درازکن

درازکن قیام را در نماز اوزاعی گوید مریم بعد ازین از چندان در نماز قیام کرد که قدمهای او متورم شد وگویند مراد از قنوت آنست که ملازم
عبادت باش وایستاده خدمت تقصیر مکن تا چنانچه حق تعالی ترا از او واز زنان عالمیان بمقام اصطفا تو نیز بکاه از زنان
دیگر جدا نباشی در مرتبه طاعت ووفای خدای نعمت واز خدمت از مواهب پرورش از تو فراهم پرستش از تو چراغ دل تو
برافروختن واز تو چون شمع در مقام ریاضت سوختن ای درویش هیچ سالک را دولت افروختن بی محنت سوختن دست نداده
شبی کز آتش عشق تو جانم سوختن گیرد * چراغ دولتم آنشب زسر افروختن گیرد وَاسْجُدِیْ وسجود کن خدای را وَارْکَعِیْ مَعَ الرّٰکِعِیْنَ
ورکوع آر با رکوع آرندگان تقدیم کرد سجود را از جهت آنکه در شریعت ایشان سجود بر رکوع مقدم بود یا آنکه تنبیه است بر آنکه واو برای
جمعست نه بجهت ترتیب یا آنکه اهتمام ایشان بسجود بیشتر است زیرا که سجده وواسطه ایست کلی در قرب حضرت باری کما قال واسجد
واقترب ودر خبر آمده که غایت قرب بنده بخدای وقتیست که ساجد باشد وگفته اند سجود نمازیست کما قال الله وادبار السجود ورکوع
شکرست کما قال وخر راکعا واناب ای شاکرا پس مریم را هم بنماز فرمود وهم بشکر ودر حقایق التاویل آمده که جمعی از بنی اسرائیل که ایشان را نرو
گفتند در نماز خود رکوع بجای نمی آوردند واز پشت خم ساختن استنکاف میکردند وباقی مردمان رکوع کردندی حق سبحانه
مریم را امر کرد که از جمله باش که نماز ایشان مشتمل بر سجود ورکوعست جمعی گفته اند که این حکم بود که نماز مریم بجماعت گذارد ودر احبار بیت
المقدس از آن جهت راکعات نگفت وبر تقدیری که زنان دران زمان بجماعت گذاردندی چون با مردان گذاردندی هر آینه در وقت
اجتماع ایشان بر سبیل تغلیب راکعین باید گفت نه راکعات وبعضی برانند که معنی سخن چنین است که انتظام ده خود را در جمله نماز گذارندگان
ودر عداد ایشان باش ذٰلِکَ آنها که ذکر کرده شد درین آیتها از حدیث زکریا ومریم ویحیی مِنْ اَنْۢبَآءِ الْغَیْبِ از اخبار پوشیده است
که ماجهت اظهار اعجاز تو نُوْحِیْهِ وحی میکنیم آنرا وفرستیم بزبان جبرئیل اِلَیْکَ بسوی تو که محمدی تا دلیلی روشن باشد ترا
بر صحت نبوت چه خبر دادن از چیزی یا بمشاهده آن چیز باشد وتو دران زمان نبودی یا بقرات کتب وتتبع رسایل آن معلوم توان نمود
وتو خواننده ونویسنده نیستی تا بتعلم از استادان ودانایان فرا توان گرفت وتو بدرس هیچکس حاضر نشدی ودر مکتب
هیچ معلم از بشر سبقی نخوانده پس معلوم شد که اخبار تو جز بوحی الهی نیست عجب نبود اگر داند علوم اولین آن کسی که در مکتب
علم القران سبق گیرد وَمَا کُنْتَ لَدَیْهِمْ ونبودی تو ای محمد نزدیک آن جماعت که پرستاران بیت المقدس بودند اِذْ یُلْقُوْنَ آن هنگام
که می انداختند برای قرعه اَقْلَامَهُمْ قلمهای کتابت خود را در جوی اردن تا بدانند اَیُّهُمْ یَکْفُلُ مَرْیَمَ که کدام از ایشان پرستار
آن شوند تعهد مریم را ای وزرا چنانچه اقلام بوده واهل قمار را از لام لا بوم اقلام مباح ساخته واز لام حرام گویند اقلام نماز فی
بود همه وشرط این کرده بودند که هر که بکفالت مریم اولی باشد قلم او بته آب رود وباقی بالای آب بماند قلم زکریا باز رفت وباقی قلمها
بالا آمد وگفته اند همه قلمها از آهن بود وشرط برین وجه بود که هر که مریم را شاید قلم او بالا آید وباقی غرق شود قلم زکریا بالا آمد وقلم
دیگران بته آب رفت وَمَا کُنْتَ لَدَیْهِمْ ونبودی تو نزدیک آن قوم زمان اِذْ یَخْتَصِمُوْنَ آن وقت که خاصمه میکردند برای کفالت
مریم وبا آنکه آنجا نبودی از آن قصه خبر میدهی تا اهل بصیرت را نظر بر معنی افتد که نقل معلم تو جز حضرت عزت نیست وعلمک سالم تکن تعلم

Copyright © King Saud University